

۱

ای مزدا! ای سپند مینو!
اینک در آغاز با دستهای برآورده، ترا نماز می گزارم و خواستار بهروزی و رامشم.
[بشود که] با کردارهای «آشه»^۱ و با همه خیرد و «منش نیک»،
«گوشورون»^۲ را خشنود کنم.

۲

ای مزدا اهوره!
با «منش نیک» به توری می آورم.
پاداش هر دو جهان آستومند و مینوی را که از «آشه» [است] و دین آگاهان را
گشایش و رامش می بخشد، به من ارزانی دار.

۳

ای مزدا اهوره!
تو و «آشه» و «منش نیک» را سرودی نوآیین می گویم تا «شهریاری مینوی»
پایدار و «آرمیتی» در من افزونی گیرد.
هر آنگاه که ترا به یاری خوانم، به سوی من آی و مرا بهروزی و رامش بخش.

۱. درباره مفهوم asha ← پیش. و یاد.

۲. «گوش اورون» = روان آفرینش ← یاد.

۴

من روانم را با «منش نیک» به فراترین سرای خواهم برد؛ چه از پاداشی که «مزدا اهوره» برای کردارها برنهاده است، آگاهم.
تا بدان هنگام که توش و توان دارم، [مردمان را] می‌آموزم که خواستار «اشه» باشند.

۵

ای اشه!

کی ترا خواهم دید و «منش نیک» را به فرزاندگی درخواهم یافت؟
کی به [سرای] «اهوره»^۱ توانا تر از همگان، راه خواهم برد و نیوشای [سخن]
«مزدا» خواهم شد؟
بدین «منثره»^۱ می‌مهمتر، با زبان خویش، گمراهان را به برترین راه، رهنمونی خواهم کرد.

۶

ای مزدا اهوره!

با «منش نیک» و «اشه» [به سوی ما] آی و به گفتار راست خویش،
«زرتشت» را و همه ما را دهش زندگی دیر پای ارزانی دار.
ما را نیرو [می‌نوی] و شادمانی بخش تا بر ستیزه و آزار دشمنان چیره شویم.

۷

ای اشه!

آن بخششی را که پاداش «منش نیک» است، به ما ارزانی دار.

ای آرمیتی!

آرزوی «گشتاسپ» و پیروان مرا برآور.

ای مزدا!

۱. «منثره» (manthra) اوستایی = گفتار ایزدی ← یاد.

ستایشگران خویش را نیروبخش تا «مئثره»^۱ی ترا [به مردمان] بیاموزند.

۸

ای اهوره‌ی با بهترین آشه^۱ همکام^۲! ای بهتر از همه!
آرزومندانه خواستارم که «فرتشوشتر» دلیر و دیگر یارانم را و آنان را که
بی گمان بدیشان «منش نیک» جاودانه خواهی بخشید، زندگی بهتر ارزانی داری.

۹

ای مزدا اهوره!
با این بخشش، هرگز ترا و «اشه» و «منش نیک» را نمی‌آزارم و خشمگین
نمی‌کنم.
می‌کوشم تا ترا ستایش نیاز آورم؛ زیرا شما و «شهریاری میئوی» نیرومند،
سزاوار ستایش و درخور نیایشید.

۱۰

ای مزدا اهوره!
آن فرزندگان روشن‌بینی را که در پیروی از «اشه» و «منش نیک» سزاوار
می‌شناسی، به خوبی کامروا کن؛ چه، برستی می‌دانم که ستایشهای از دل برآمده و
نیک خواهانه، از سوی شما بی‌پاسخ نمی‌ماند.

۱۱

با این نیایش‌ها، همواره «اشه» و «منش نیک» را نگاهبان خواهم بود.
ای مزدا اهوره!
تو با «مینو»^۱ی خود مرا بیاموز و به زبان خویش بازگویی که آفرینش در آغاز
چگونه پدید آمد.

۱. بهترین آشه = اردیبهشت (در اوستایی: asha vahishta) ← پیش. و یاد.

۲. این واژه به صورت ha-zaosha چندین بار در اوستا بکار رفته و در شاهنامه به گونه همکام آمده است:
«دلارام اوبود و همکام اوی همیشه به لب داشتی نام اوی» (شا. ج ۷، ص ۲۷۳)

یسنه، هات ۲۹

۱

«گوشورون» نزد شما گله گرازد:
— «مرا برای چه آفریدی؟ که مرا ساخت؟ خشم و چپاول و تندخویی و
گستاخی و دست‌یازی، مرا یکسره در میان گرفته است.
مرا جز تو پشت و پناه دیگری نیست. اینک رهاننده‌ای شایسته به من بنمای.»

۲

آنگاه آفریدگار جهان از «اشه» پرسید:
— «کدامین کس را سزاوار رَدی جهان می‌شناسی تا بتوانیم یاوری خویش و
تُخشایی به آبادانی جهان را بدو ببخشیم؟
چه کسی را به سالاری جهان خواستاری که هواخواهان «دُرُوج» و «خشم» را
درهم بشکند و از کار بازدارد؟»

۳

«اشه» بدو پاسخ داد:
«[چنین سرداری] به جهان [و مردمان] بیداد نمی‌ورزد. [او] مهربان و
بی‌آزار است.
از آنان [کسی را] نمی‌شناسم که بتواند نیکوکاران را در برابر تباهکاران
نگاهبانی کند.
[او] باید [در میان مردمان، نیرومندتر از همه باشد تا هرگاه مرا فراخواند، به

یاریش بشتابم ...

۴

... بی گمان «مزدا» بهتر از همه به یاد دارد که در گذشته، دیوان و مردمان [دُرُونَد] چه کردند و آگاه است که در آینده چه خواهند کرد.
«اهوره» تنها داد گستر [در جهان] است. پس آنچه خواست او باشد، همان خواهد شد.

۵

... پس براستی [ما] هر دو — من و روانِ جهانِ بارور — «اهوره» را با دستهای برآورده می‌ستاییم و از «مزدا» خواستار می‌شویم [که] آرزوی ما را چنین برآورد:
هرگز پارسایان و راهبرشان را از دُرُونَدان، آسیبی [مرساد].»

۶

آنگاه «مزدا اهوره» ی آگاه که هنجار زندگی از فرزاندگی اوست، گفت:
— «آیا [تو] سردار یا زدی را که سرشار از «اشه» باشد، نمی‌شناسی؟ آیا براستی آفریدگار، ترا به راهبری و نگاهبانی [آفرینش] برنگزیده است؟»

۷

«اهوره» ی با «اشه» همکام^۱، این «مَنَثَرَه»^۲ ی فزاینده بهروزی را بیافرید و «مزدا» ی ورجاوند، خود آن را برای بهبود جهان و [کامروایی] درست کرداران، پیاموخت:

«ای منش نیک!

کیست آن که از تست و مردمان را براستی یاری خواهد بخشید؟»

۱. — یس . ۲۸، بند ۸، زیر.

۲. «مَنَثَرَه» در این جا اشاره است به نیایش مشهور «آهوتور» یا «یته آهوویزیو» و همین «آهوتود گاه» (سرود

یکم گاهان) — یاد.

۸

— «یگانه کسی که من در این جا^۱ می‌شناسم که به آموزش ما گوش فراداده،
 «زرتشت سپیتمان» است.
 تنها او خواهان آن است که سرودهای ستایش «مزدا» و «اشه» را به گوش
 [مردمان] برساند. هم از این روست که او را گفتاری شیوا و دلپذیر دادیم.»

۹

آنگاه «گوشورون» برخوردید:
 «آیا [من] باید به پشتیبانی نارسای مردی ناتوان خرسند باشم و به سخنان او
 [گوش فرادهم]؟ براستی مرا آرزوی فرمانروایی توانا بود.
 کی فراخواهد رسید آن زمان که چنین کسی با دستانی نیرومند، مرا یاری
 دهد؟

۱۰

ای اهوره! ای اشه!
 اینان را^۲ از نیرو و «شهریاری میئوی» برخوردار کن.
 ای منش نیک!
 [بدینان] آن [دهشی] را ارزانی دار که خانمان خوب و رامش بخشد.
 ای مزدا!
 من نیز او را^۳ برترین آفریده تومی‌شناسم.»

۱۱

کی «اشه» و «منش نیک» و «شهریاری میئوی» به سوی ما خواهد شتافت؟

۱. در این جهان، در جهان هستی.
۲. اشاره است به زرتشت و همراهان او یا رهبران و رهانندگان آینده جهان که «گوشورون» را یاری خواهند کرد.
۳. به احتمال زیاد، اشاره به زرتشت است که «گوشورون» او را برگزیده و برتر از همه آفریدگان می‌شناسد.

من شما [مردمان] را به پذیرش آموزش «مگه» ای بزرگ فرامی‌خوانم.
ای مزدا اهوره!
اکنون که ما را یاوری [رسیده است]، ما نیز آماده‌یاری رساندن [به کسانی]
چون شما ایم.

بسنه، هات ۳۰

۱

اینک با ستایش «اهوره» و جشن «منش نیک»، خواستاران و نویدیافتگان را
از آن دو پدیدار بزرگ سخن می‌گویم.
ای نیک‌منشان!

این [سخن] را در پرتو «اشه» و با روشنی و رامش دریابید.

۲

ای هوشمندان!
بشنوید با گوشها [ی خویش] بهترین [سخنان] را و ببینید با منش روشن و
هریک از شما — چه مرد، چه زن — پیش از آن که رویداد بزرگ به کام ما پایان گیرد،
از میان دو راه، [یکی را] برای خویشتن برگزینید و این [پیام] را [به دیگران]
بیاموزید.

۳

در آغاز، آن دو «مینو»ی همزاد و در اندیشه و گفتار و کردار [یکی] نیک و
[دیگری] بد، با یکدیگر سخن گفتند.^۱
از آن دو، نیک آگاهان راست را برگزیدند، نه دُز آگاهان.

۴

آنگاه که آن دو «مینو» به هم رسیدند، نخست «زندگی» و «نازندگی» را

۱. سنج . یس . ۴۵ ، بند ۲ .

[بنیاد] نهادند و چنین باشد به پایان هستی :
 «بهترین منش»، پیروان «اشه» را و «بدترین زندگی»، هواداران «دروج» را
 خواهد بود.

۵

از آن دو «مینو»، هواخواه «دروج» به بدترین رفتار گروید و «سپندترین مینو»
 — که آسمان جاودانه را پوشانده است — و آنان که به آزاد کامی و درستکاری، «مزدا
 اهوره» را خشنود می‌کنند، «اشه» را برگزیدند.

۶

دیوگزینان [نیز] از آن دو [«مینو»]، راست را برگزیدند؛ چه، بدان هنگام
 که پُرسان بودند، فریب بد انسان در ایشان را، یافت که به «بدترین منش» گرویدند.
 آنگاه با هم به سوی «خشم» شتافتند تا زندگی مردمان را تباه کنند.

۷

«شهریاری میئوی» و «منش نیک» و «اشه» بدو^۱ فراز آمد و «آرمیتی»، پیکر
 [او]^۱ را تُخشایی و نَسْتوهی بخشید.
 براستی آنان که از آنِ تو، از آزمون آهن، پیروز برمی‌آیند.

۸

ای مزدا اهوره!
 چون کین^۲ گناهکاران فرارسد، «شهریاری میئوی» تودر پرتو «منش نیک»
 آشکار خواهد شد و آنان خواهند آموخت که «دروج» را به دستهای «اشه» بسپارند.

۹

ای مزدا!
 ما [خواستاریم که] از آنِ تو و [در شمار] «اهوراییان»^۳ باشیم که هستی را نو

۱. اشاره است به پیرو راه «اشه».

۲. پادافره، کیفر.

۳. — یس . ۳۱، بند ۴، زیر.

می‌کنند.

تونیز ما را در پرتو «اشه» یاری کن تا هنگامی که خرد ما دستخوش دودلی است، اندیشه‌های ما به هم نزدیک باشد.

۱۰

آنگاه شکست و تباهی بر «دروج» فروخواهد آمد و آنان که به نیکنامی شناخته شده‌اند، به آرزوهای خویش خواهند رسید و به سرایِ خوش «منش نیک» و «مزدا» و «اشه» راه خواهند یافت.

۱۱

ای مردم!

این است آن دو فرمان آموخته «مزدا»: خوشی و ناخوشی.
رنج و زیانِ دیرپائی، فریفتگان «دروج» را ورستگاری، رهروان راه «اشه» راست.

بی گمان در پرتو این [آموزش] به رستگاری و بهروزی خواهید رسید.

بسنه، هات ۳۱

۱

ای هوشمندان!

شما را از آموزشهایی ناشنوده می آگاهانم.
بی گمان، این سخنان، پیروان آموزشهای «دروج» — تباه کنندگان جهان
«اشه» — را [ناگوار] و دلدادگان «مزدا» را بسیار خوشایند است.

۲

چون با این [آموزش]ها [ی «دروج»]، راه بهتری برای گزینش پدیدار نیست،
من چونان ردی که «مزدا اهوره» [اورا] برای هر دو گروه برگزیده است، به سوی همه
شما می آیم تا زندگی را به پیروی از «اشه» بسراوریم.

۳

ای مزدا!

تو با گفتار [خود و به] زبان خویش، ما را بیاگاهان از آنچه به هر دو گروه
خواهی بخشید و از آن بهروزی که به دستیاری «اشه» و «آذر» مینوی خود نوید دادی و
از آن فرمانی که فرزندگان راست، تا من همه مردمان را به گرویدن [به دین تو]
فراخوانم.

۴

ای مزدا! ای اهوراییان!

۱. ahurāwango را استاد پورداود به «سروران دیگر» برگردانده است که اشاره دارد به فروزه های «مزدا»

آنگاه که خواست ما را پاسخ گو باشید، آرزو خواهیم کرد که در پرتو «اشه» و «آرمیتی» و «آشی» و «بهترین منش»، «شهریاریِ مینوی» نیرومند از آن ما شود تا با افزایش آن بر «دروج» چیرگی یابیم.

۵

ای مزدا اهوره!

مرا از آنچه خواهد شد و آنچه نخواهد شد، بی‌گاهان تا در پرتو داد «اشه» و «منش نیک»، آنچه را برای من بهترین است برگزینم و از آن پاداشی که به من [خواهی داد]، به شادکامی برسم.

۶

بهترین [پاداش] ارزانی فرزانه‌ای خواهد بود که پیام راستین و «مئثره»ی مرا [بر مردمان] آشکار کند و [آنان را] در پرتو «اشه» به «رسایی» و «جاودانگی» [رهنمون شود].

«مزدا» به دستیاری «منش نیک»، «شهریاریِ مینوی» چنین کسی را خواهد افزود.

۷

اوست نخستین اندیشه‌وری که روشن‌ان سپهر، از فرّ و فروغش درخشیدند. [اوست که] با خرد خویش، «اشه» را بیافرید تا «بهترین منش» را پشتیبان و نگاهبان باشد.

ای مزدا اهوره!

تو اکنون نیز همانی [که در آغاز بودی؛ پس] به «مینو»ی خویش، آن [فروغ] را بیفزای.

→ اهوره». در اوستای نو این فروزه‌ها را تجسم بخشیده و «آیسه شپته» (امشاسپند یا ورجاوند جاودانه) نامیده‌اند؛ اما در گاهان، هیچ‌گاه این عنوان را نمی‌بینیم. ما در برابر «اهورا ونگهو»ی اوستایی، «اهوراییان» را آوردیم. — یس. ۳۰، بند ۹.

۸

ای مزدا!

هنگامی که ترا با منش خویش، سرآغاز و سرانجام هستی و پدر «منش نیک» شناختم و آنگاه که ترا با چشم [دل دیدم]، دریافتم که تویی آفریدگار راستین «اشه» و داور کردارهای جهانیان.

۹

ای مزدا اهوره!

از آن تو بود «آرمیتی»؛ نیز از آن تو بود «خرد میثوی» جهان ساز؛ آنگاه که تو او را آزادی گزینش راه دادی تا به رهبر راستین بگردد یا به رهبر دروغین.

۱۰

پس او از میان آن [دو]، سرور آسون و فزاینده «منش نیک» را به رهبری و نگاهبانی خویش برگزید.
ای مزدا!

رهبر فریفتار، هر چند که خود را پاک وانمود کند، نمی‌تواند پیام آور تو باشد.

۱۱

ای مزدا!

آنگاه که تو در آغاز، تن و «دین»^۲ ما را بیافریدی و از منش خویش، [ما را] خرد بخشیدی، آنگاه که جان ما را تن پدید آوردی، آنگاه که ما را نیروی کارورزی و گفتار راهنما ارزانی داشتی، [از ما خواستی که] هر کس باور خویش را به آزاد کامی بپذیرد.

۱۲

پس هر کس — خواه دروغ گفتار، خواه راست گفتار، خواه نادان، خواه دانا —

۱. اشاره به آدمی است.

۲. «دین» در این جا و چند جای دیگر از گاهان و در مواردی در اوستای نوبرابر daēnā اوستایی است و با دین به معنی کیش و مذهب، تفاوت دارد. ما برای مشخص کردن آن، «دین» آورده‌ایم. — یاد.

از دل و منش خویش، بانگ برمی آورد.
«آرمیتی» هر جا که اندیشه در پرسش و دودلی باشد، رهنمونی می کند.

۱۳

ای مزدا!
هنگامی که آشکارا یا نهان پرسشی می شود و یا [کسی] برای رهایی از گناهی
خُرد، سزایی کلان را برمی تابد، تو آن را با چشمان تیزبین خود می پایی و همه را در پرتو
«اشه» بدرستی می بینی.

۱۴

ای اهوره!
این [همه] را از تومی پرسم: بدرستی [بازگویی که] چگونه گذشته است و
چگونه خواهد گذشت؟ آشونان و پیروان «دُروج» را چه پاداش [و پادافره] ای در دفتر
زندگانی نوشته خواهد شد؟
ای مزدا!
این [همه] در شمارِ پسین چگونه خواهد بود؟

۱۵

ای اهوره!
این را [از تو] می پرسم: چیست سزای کسی که نیروی دُرَوَندِ بد کنش را
بیفزاید^۱ [و کسی] که در زندگی [خویش] هنری [جز] جدایی افگندن میان رهبر
درست کردار و گروه مردم ندارد؟

۱۶

ای مزدا اهوره!
این را [از تو] می پرسم: آیا کسی که به نیک آگاهی، برای [افزایش] توانایی

۱. در «دینکرت» (کتاب نهم) آمده است: «بدترین پادشاه، آن بد دین و بد کنشی است که برای پاره
(= رشوه) هم نیکی نکند؛ کسی است که کشنده بیگناه است. پادافره ای گران در دوزخ، سزای کسی است
که چنین دروندی را پادشاه کند.» (دینکرت، چاپ سنجانا، ج ۱۷، ص ۹۶).

خانمان یا روستا یا سرزمین و پیشرفت «اشه» بکوشد، به تو خواهد پیوست؟
کی [او] چنین خواهد شد و با کدامین کردار؟

۱۷

کدام یک از دو — آشون یا دُرَوند — بهترین [راه] را برگزیده است؟
دانای روشن بین باید دانشجو را بیا گاهاند.
مبادا نادان [کسی را] بفریبد و گمراه کند.
ای مزدا اهوره!
تو [ما را] آموزگارِ «منش نیک» باش.

۱۸

پس هیچ یک از شما به گفتار و آموزش دُرَوند که خانمان و روستا و سرزمین را
به ویرانی و تباهی می کشاند، گوش فرامدهید و با رزم افزار در برابر آنان بایستید.

۱۹

به [گفتار] کسی گوش فرادهید که به «اشه» می اندیشد؛ بدان فرزانه ای که
درمان بخش زندگی است؛ [بدان کسی که] در گفتار راستین، توانا و گشاده زبان
است.
ای مزدا اهوره!

با «آذر» فروزان خویش، واپسین جایگاه هر دو گروه را آشکار کن.

۲۰

آن کس که به سوی آشون آید، در آینده جایگاه او روشنایی خواهد بود.
[اما] تیرگی ماندگار دیر پای و کورسویی و بانگ «دریغا»یی، براستی چنین
خواهد بود [سرانجام] زندگی دُرَوندان که «دین» و کردارشان، آنان را بدان جا خواهد
کشاند.

۲۱

«مزدا اهوره» با خداوندی و سروری خویش و پیوستگی پایدار با «اشه» و
«رسایی» و «جاودانگی»، «شهریاری میثوی» و یاوری و «منش نیک» را به کسی

خواهد بخشید، که در اندیشه و کردار، دوست اوست.

۲۲

این [سخن] برای آن کس که نیک آگاه است و با «منش نیک» آن را
درمی یابد، آشکار است.

اوست که با «شهریاری میثوی» و با گفتار و کردار [خویش] «اشه» را
نگاهداری می کند.

ای مزدا اهوره!

اوست که کارگزارترین یا ورتوبه شمار می آید.

یسنه، هات ۳۲

۱

ای مزدا اهوره!
خویشاوندان و همکاران و یاوران [من] برای دست‌یابی به شادمانی و
بهروزی، از خواستاران تواند.
ای دیو [یسند] ان!
شما نیز با همان منش، او را خواستار باشید.
[بشود که] پیام‌رسان تو باشیم [و] آنان را که با تومی‌ستیزند، [از کار]
بازداریم.

۲

«مزدا اهوره»ی با «منش نیک» یگانه، در پرتو «شهریاری میثوی» [خویش]
بدانان^۱ پاسخ گفت:
— «اشه»ی تابناک را که دوست نیک «سپندارمذ» است، برای شما
برگزیده‌ام. باشد که او از آن شما شود.

۳

ای دیوان!
شما همه از تبار «منش زشت»ید و آن کس که دیرزمانی شما را می‌پرستد، از
دروغ و خودستایی است. [هم] از این روست که بدین کردار فریبکارانه [تان] در هفت
۱. اشاره است به گروه‌های سه‌گانه در بند پیش.

بوم [جهان]^۱ به بدی نامبردار شده اید.

۴

بدین سان، شما^۲ [اندیشه] مردمان را [چنان] آشفته اید که بدترین کارها را می‌ورزند و از دوستان دیوان شناخته می‌شوند.
[آنان] از «منش نیک» دوری می‌گزینند و از خیرد «مзда اهوره» و «اشه» روی برمی‌تابند.

۵

اینچنین شما با اندیشه و گفتار و کردار بد که «منش زشت» برای تباهی [جهان] به شما و دُرَوَندان آموخت، مردمان را فریفتید و از زندگی خوب و جاودان بی بهره کردید.

۶

ای اهوره!
او^۳ از گناهکاری بسیار، کامیاب شد و با چنین [رفتاری] تا بدین پایه به نامبرداری رسید؛ اما تو همه چیز را به یاد داری و با «بهترین منش» [از سزای او] آگاهی.
ای مزدا!
فرمان تو و آموزش «اشه» با «شهریاریِ مینوی» تو روا خواهد شد.

۷

هیچ کدام از این گناهکاران در نمی‌یابند که کامیابی — همان گونه که زندگی به ما آموخته و بدانسان که با [آزمون] آهن گدازان گفته شده — به کار و کوشش [باز بسته است].
ای مزدا اهوره!

۱. هفت بوم یا اقلیم جهان در بخش بندی کهن.

۲. ضمیر شما بازبرد دارد به دیوان در بند پیش.

۳. اشاره است به یکی از فرمانروایان دیوپرست که با مزداپرستی در ستیزه بوده است.

تواز سرانجام آنان آگاه‌تری.

۸

«جَم و یونگهان» نیز — که برای خشنودی مردمان و خویشتن، خداوند جهان را خوار شمرد — از این گناهکاران نامبردار است.^۱
ای مزدا!
من به واپسین داوری تو درباره همه آنان^۲ بی گمانم.

۹

آموزگار بد با آموزش خویش، سخن [ایزدی] را برمی‌گرداند و خیرِ زندگی را تباه می‌کند.
او براستی [مردمان را] از سرمایه گرانبهای راستی و «منش نیک» بی بهره می‌کند.
ای مزدا! ای اشه!
بدین سخنان که از «مینو»^۳ ی من [برمی‌آید]، نزد شما گله می‌گرام.

۱۰

براستی او^۳، هنگامی که دیدن زمین و خورشید با دو چشم را بدترین [گناه] می‌خواند،^۴ [همان] کسی است که سخن [ایزدی] را برمی‌گرداند.
او [ست که] [دانا را] [به جرگه] [دروند] [ان] درمی‌آورد. او [ست که] [کشتزارها را ویران می‌کند. او] [ست که] [رزم افزار به روی آشونان می‌کشد.

۱. — زام. بندهای ۳۸ - ۳۳.

۲. گناهکاران

۳. آموزگار بد.

۴. اشاره است به این باور زرتشت و پیروان او که خورشید سرچشمه فروغ و گرما و زمین زیستگاه و پناهگاه آدمیان را گرامی می‌داشتند و به دیده احترام می‌نگریستند. بسیاری از پژوهشگران برآنند که زرتشت در این بند و بندهای پس از آن، با «مهراینی» ستیهده است که پیروان آن، گاو را درجایی دور از تابش خورشید، قربانی می‌کردند و با برگذاری آیین نیایش «هوم» و اجرای قربانیهای خونین، هنجارهای زندگی آرام روستایی را زیر پا می‌گذاشتند.

۱۱

براستی آنانند^۱ که زندگی را تباه می‌کنند. آنانند که دُرَوَندان را بزرگ می‌شمارند و زنان و مردان بزرگوار را از رسیدن به دهش [ایزدی] بازمی‌دارند.
ای مزدا!

آنان آشَوَنان را از «بهترین منش» روی گردان می‌کنند.

۱۲

آنان با آموزشهای خود، مردمان را از بهترین کردار بازمی‌دارند.
آنان زندگی جهانیان را با گفتار فریبنده پریشان می‌کنند.
آنان «گِرِهَم» و یاران وی و «کَر پان» و شهریاران خواستاران «دُرُوج» را بر «اشه» برتری می‌دهند.
«مزدا» [آنان را] پادافره برنهاده است.

۱۳

ای مزدا!
«گِرِهَم» هر اندازه هم که آرزومند بدست آوردن شهریاری در پناه «بدترین منش» باشد، سرانجام تباه کننده زندگی [خود] خواهد بود.
آنگاه آنان^۲ آرزومندانه خواستار پیام پیام آور تو خواهند شد که «اشه» را در برابر هراس انگیزی وی^۳ نگاهبانی می‌کند.

۱۴

«گِرِهَم» و «کوی»ها از دیرباز برای به ستوه آوردن وی^۴ خِرَد و نیروی خویش را بکار گرفته‌اند.
آنان بر آن شدند که از دُرَوَندان یاری خواهند و گفتند که زندگی باید به تباهی

۱. آموزگاران بد

۲. گمراهان

۳. گِرِهَم

۴. زرتشت

کشانده شود تا «دوردارنده مرگ»^۱ به یاری [شان] برانگیخته شود.

۱۵

بدین سان «گرپان» و «گوی»ها برآستی به دست همانان که هیچ گاه زندگی و فرمانروایی آزاد را برایشان روا نمی داشتند، تباه خواهند شد. آنان را^۲ این دو^۳ به سرای «منش نیک» خواهند برد.

۱۶

برآستی بهترین چیزها آموزش راستین و هوشمندانه مردی دین آگاه است. ای مزدا اهوره!

تو بر همه آنان که سر آزار مرا دارند و هراسانم می کنند، فرمان می رانی. هم از این روست که دشمنی دُرَوندان را از دوستان تو باز خواهم داشت.

۱. «دوردارنده مرگ» صفت «هوم» است. — یس . هات ۹ (هوم یشت) و یاد.

۲. کسانی را که از «گرپ»ها و «گوی»ها آزار دیده اند.

۳. در گپ. افزوده شده است: خرداد و امرداد.

۱

هر کس باید در این جا^۱ برابر این [آموزش] ها^۲ که داد بنیادین زندگی است، رفتار کند. رَد^۳ با دُرَوَند و اَشَوَن و آن کس که کردارهای نیک و بدش بهم آمیخته است، با درست ترین روش برخورد خواهد کرد.

۲

هر کس که با اندیشه و گفتاریا با هر دو دست خویش، با دُرَوَند بستیزد و یا پیروان او را به راه نیک رهنمون شود، به دوستکامی خواست «مزدا اهوره» را برمی آورد.

۳

ای اهوره!

کسی که با اَشَوَن — خواه خویشاوند، خواه همکار، خواه یاور — بهترین رفتارها را داشته باشد و کسی که با کوشش [خویش]، آفریدگان را نگاهداری کند، با «اشه» و در سرای «منش نیک» بسر خواهد برد.

۴

ای مزدا!

منم که ترا می پرستم و از تو خواستارم: ناباوری و «تَرَمَنشی» از میان برخیزد و خویشاوندان از خیره سری، همکاران از فریب نزدیکان و یاوران از نکوهندگان

۱. در این جهان، در زندگی این جهانی.

۲. آموزشهای اشه.

۳. بارتولومه «رَد» (= رهبر دینی) را در این جا اشاره به زرتشت می داند.

رهایی یابند و جهان از رهبران بد بیاساید.

۵

منم که برای [دست‌یابی به] والاترین آرمان — رسیدن به زندگی دیر پای در شهر یاری «منش نیک» — «سروش» از همه بزرگتر ترا [به یاری] می‌خوانم تا در راه درست «آشه» گام نهم و به جایی که «مزدا اهوره» شهر یاری دارد، [برسم].

۶

منم آن سرودخوان که در [پیروی از] «آشه» پابرجا و استوارم.
[اینک] مهرورزانه و با همه هستی خویش، از «بهترین منش» خواستار
آموختن رهبری ام تا بدانسان که تومی خواهی، بدین کار دست زدم.
ای مزدا اهوره!
مرا آرزوست که با تو دیدار و همپرسگی کنم.

۷

ای مزدا! ای نیک‌ترین!
به سوی من آی و نمایان شو تا در پرتو «آشه» و «منش نیک»، گذشته از
«مگنونان»، [دیگر مردمان نیز] به گفتار من گوش فرادهند.
بشود که آنچه بایسته ماست و نمازی که شایسته تست، به روشنی در میان ما
آشکار گردد.

۸

ای مزدا!
واپسین آماج مرا به من بشناسان تا با «منش نیک» بدان روی آورم و چون
تویی را نیایش بگرام. دهش پایدار «رسایی» و «جاودانگی» را به سخنان ستایشگرانه
من که از «آشه» مایه دارد، ارزانی دار.

۹

ای مزدا!

دو «مینو»^۱ بزرگ فزاینده «اشه» را که از آن تست، با فروغ بینش و دانش بدست توان آورد. [بشود که] «بهترین منش»، بخشش با هم آن دو [مینوی] یگانه روان را از فراسوی بیاورد و [به ما] ارزانی دارد.

۱۰

ای مزدا!

همه نیکیهای زندگی را که از آن تست — آنها را که بود و هست و خواهد بود — به مهربانی خویش به ما ارزانی دار
[به دستیاری] «منش نیک» و «شهریاری مینوی» و «اشه»، بهروزی ابدی تن ما را بیفزای.

۱۱

ای مزدا اهوره! ای تواناترین! ای آرمیتی! ای اشه ی گیتی افزای! ای منش نیک! ای شهریاری مینوی!
به من گوش فرادهید و آنگاه که پاداش هر کسی را می بخشید، بر من بخشایش آورید.

۱۲

ای اهوره!

[خود را] به من بنمای و [در پرتو] «آرمیتی» توش و توانم ده.

ای مزدا!

به پاداش ستایشم، از «سپندترین مینو» نیکویی، از «اشه» توانایی بسیار و از «منش نیک» سروری^۲ بخش.

۱. رسایی و جاودانگی (= خرداد و امرداد)

۲. در متن «فیراتو» آمده که در گپ. به «سرداری» (= سرداری) برگردانده شده و بسیاری از گزارشگران جدید گاهان نیز آن را پذیرفته اند. بارتولومه و پورداود، آن را «پاداش» ترجمه کرده اند. ما «سروری» را به جای آن گذاشتیم.

۱۳

ای اهوره‌ی تیزبین!
به شادمانی و رامش من، دهش بی مانند خویش را که از «شهریاریِ میثوی» و
از «منش نیک» است، بر من آشکار کن.
ای سپندارمذ!
«دین» مرا به [یاری] «اشه» آموزش ده و روشنی بخش.

۱۴

اینک زرتشت همه تن و جان و گزیده «منش نیک» خویش را همچون نیازی
پیشکش «مزدا» می‌کند و گفتار و کردار و دل آگاهی و نیروی خود را نزد «اشه»
[ارمغان می‌برد].

بسنه، هات ۳۴

۱

ای مزدا اهوره!

گفتار و کردار و پرستشی که با آنها به مردمان «جاودانگی» و «اشه» و «شهریاریِ مینوی» و «رسایی» می بخشی، همه را نخست نزد تو نیاز می آورم.

۲

ای مزدا!

وَرجاوند مرد نیک منشی که روانش به «اشه» پیوسته است، همه اندیشه و کردار [خویش] را تنها [به تو] نیاز می کند.
[بشود که] ستایش سرایان و نیایش کنان به تو نزدیک شویم.

۳

ای اهوره!

آنچه را شایسته تو و «اشه» است، با نماز بجای می آوریم [تا] همه جهانیان با «منش نیک» در «شهریاریِ مینوی» [تو] به «رسایی» رسند.
ای مزدا!
براستی نیک آگاه هماره از دهش تو برخوردار می شود.

۴

ای مزدا اهوره!

در پرتو «اشه»، «آذر» نیرومند ترا خواهیم که جاودانه و تواناست و دوستان را

پیوسته آشکارا یاری می‌رساند و آزار و گناه دشمنان را در چشم برهم زدنی نمایان می‌کند.

۵

ای مزدا!

چه بزرگ است «شهریاری میثوی» تو!
چه اندازه آرزومندم که به تو بپیوندم و در پرتو «اشه» و «منش نیک»، درویشان
ترا پناه بخشم!
شما را^۱ برتر از همه می‌خوانم و از دیوان و مردمان آزاردهنده، دوری می‌گزینم.

۶

ای مزدا! ای اشه! ای منش نیک!

چون شما براستی چنین هستی^۲، پس مرا در همه دگرگونیهای زندگی این
جهانی، چنان رهنمونی کنید که با ستایش و نیایشی از ژرفای دل، به سوی شما آیم.

۷

ای مزدا!

کجایند آن رادمردانی که آموزشهای ارجمند ترا با «منش نیک» دریافته‌اند و با
همه سختی و آزار [ی که می‌کشند]، هوشیارانه آنها را بکار می‌برند؟
من جز تو کسی را نمی‌شناسم. پس در پرتو «اشه»، ما را پناه بخش.

۸

ای مزدا!

براستی آنان^۳ با این کردارها، ما را می‌هراسانند؛ چرا که نیرومندانشان برای
ناتوانان، تباهی و ویرانی می‌آورند و با فرمان تودشمنی می‌ورزند.
آنان هیچ‌گاه به «اشه» نمی‌اندیشند و از «منش نیک» روی می‌گردانند.

۱. مزدا و دو فروزه او «اشه» و «منش نیک».

۲. یادآور جمله «شما را برتر از همه می‌خوانم» است در بند پیش.

۳. دروندان.

۹

ای مزدا!

آنان با بدکرداری و ناآگاهی از «منش نیک»، «سپندارمذ» ترا — که نزد دانایان بزرگوار است — کوچک می‌شمارند.
آنان از «اشه» چنان دور خواهند ماند که تباہکاران نافرہیخته از ما.

۱۰

خردمند آنان را اندرز داد که با «منش نیک» کار کنند و آگاه باشند که «سپندارمذ»، سرچشمه راستین «اشه» است.
ای مزدا اهوره!
آنان اگر این [آموزش تو] را دریابند، همه به «شهریاری میئوی» تو [راه خواهند یافت].

۱۱

اینک «رسایی» و «جاودانگی» — دهشهای دوگانه تو — به روشنایی راه می‌نمایند و «اشه» و «منش نیک» و «آرمیتی»، زندگانی دیر پای [ارزانی می‌دارند] و «شهریاری میئوی» را می‌افزایند.
ای مزدا!
تو با اینها، ستیهندگان با دشمنانت را پیروزی می‌بخشی.

۱۲

ای مزدا!

داد تو چیست؟ خواستار چیستی؟ کدامین ستایش و کدامین نیایش را [سزاوار می‌شناسی]؟
فراگوی تا [مردمان] بشنوند و پاداش [پیروی از] آموزشهای ترا دریابند.
در پرتو «اشه» به ما بیاموز که راه هموار «منش نیک» چگونه است ...

۱. اشاره است به فروزه‌های مزدا اهوره (اشه و منش نیک و رسایی و جاودانگی و آرمیتی و شهریاری میئوی) که در همین بند از آنها یاد شد.

۱۳

ای مزدا اهوره!

... آن راه «منش نیک» که به من نمودی، همان راه آموزش رهانندگان است که [تنها] کردار نیک در پرتو «اشه» مایه شادمانی خواهد شد؛ [راهی که] نیک آگاهان را برنهادی.

۱۴

ای مزدا اهوره!

بی گمان این [پاداش آرمانی] را به تن و جان کسانی ارزانی می‌داری که با «منش نیک» کار می‌کنند و در پرتو «اشه»، آموزش خرد نیک ترا بدرستی به پیش می‌برند و خواست ترا برمی‌آورند و برای پیشرفت جهان می‌کوشند.

۱۵

ای مزدا!

ما از بهترین گفتارها و کردارها بی‌گمان تا برآستی در پرتو «اشه» با «منش نیک» و به آزادگامی ترا بستایم.

ای اهوره!

با «شهریاری میثوی» خویش و به خواست خود، زندگانی نو و سرشار از «آشه» را به ما ارزانی دار.

یسنه، هات ۴۳

۱

«مزدا اهوره»ی به همه کار توانا چنین بر نهاده است:
بهروزی از آن کسی است که دیگران را به بهروزی برساند.
نیرو و پایداری را براستی از تو خواستارم.

ای آرمیتی!

برای نگاهبانی از «اشه»، فرّ و شکوهی را که پاداش زندگی در پرتو
«منش نیک» است، به من ارزانی دار.

۲

همچنین بهترین [پاداش] از آن او^۱ باد.

ای مزدا!

کسی که [برای دیگران] خواستار روشنایی است، روشنایی [بدو] ارزانی
خواهد شد.

از «سپندترین مینو»ی خویش و در پرتو «اشه»، دانش برآمده از «منش نیک»
را به ما بخش تا در زندگانی دیر پا [ی خویش] همه روزه از شادمانی بهره‌مند شویم.

۳

پس براستی، بهترین نیکی‌ها بهره آن کس خواهد شد که در زندگی استومند و
میثوی، ما را به راه راست بهروزی — [راه] جهان آشه که جایگاه «اهوره» است —

۱. اشاره است به «کسی که دیگران را به بهروزی می‌رساند» در بند پیش.

رهنمونی کند.
ای مزدا!

دلدادگان تو در پرتونیک آگاهی و پاکی به تو خواهند پیوست.

۴

ای مزدا!

ترا توانا و پاک شناختم؛ آنگاه که [دانستم] در پرتوتوانایی ات، آرزوهای ما برآورده خواهد شد؛ آنگاه که [دریافتم] آشونان و دُروندان را پاداش [و پادافره] خواهی بخشید؛ آنگاه که [پی بردم] در پرتو گرمای «آذر» تو — که نیرومندی اش از «اشه» است — نیروی «منش نیک» به من روی خواهد نمود.

۵

ای مزدا اهوره!

ترا پاک شناختم؛ آنگاه که در سرآغاز آفرینش زندگی دیدمت [و دریافتم] که چگونه تا پایان گردش آفرینش، کردارها و گفتارها را با هنر خویش، مزد برنهادی: پاداش نیک برای نیکان و [سزای] بد برای بدان.

۶

ای مزدا!

بدان هنگام که «سپند مینو»ی تو فراز آید، «شهریاری میئوی» و «منش نیک» با کُنش خویش، جهان را به سوی «اشه» پیش می برند و «آرمیتی» راد مردان را به سوی خِرَدِ نافریفتنی تورهنمونی خواهد کرد.

۷

ای مزدا اهوره!

براستی ترا پاک شناختم؛ آنگاه که «منش نیک» نزد من آمد و پرسید:
— «کیستی و از کدامین خاندانی و در برابر پرسشها و دودلیهای روزانه زندگی خویش و جهان پیرامون خود، کدامین راه را می نمایی و می شناسانی؟»

۸

آنگاه نخست بدو [پاسخ] گفتم:
— «منم زرتشت که با همه توش و توان خویش، دشمن سرسخت دُرّوندان و
پناه نیرومند آشونانم.»
ای مزدا!
خواستارم تا بدان هنگام که ستایشگر و سرودخوان توام، همواره از «شهریاری
مینوی» بی کران [تو] برخوردار باشم.

۹

ای مزدا اهوره!
براستی ترا پاک شناختم؛ آنگاه که «منش نیک» نزد من آمد و پرسید:
— «چگونه خود را باز می شناسانی؟»
[و من بدو پاسخ دادم]:
— «با دهش آن نماز که نزد آذر تومی گزارم.
تا بدان هنگام که مرا توش و توان هست، به «اشه» خواهم اندیشید.

۱۰

پس تو مرا به سوی «اشه» — که [همواره] آن را فراخوانده ام — رهنمونی کن تا
با پیروی از «آرمیتی» بدان دست یابم.
اینک بپرس از ما و بدان سان که می خواهی، ما را بیازمای؛ چرا که پرسش و
آزمون تو، رهبران را نیرومندی و برتری می بخشد.»

۱۱

ای مزدا اهوره!
ترا پاک شناختم؛ آنگاه که «منش نیک» نزد من آمد و من نخستین بار از گفتار
تو آموختم و دریافتم که بردن پیام توبه میان مردمان دشوار است؛ اما من آنچه را که به
من گفتی بهترین است، به سرانجام خواهم رساند.

۱۲

بدان هنگام که مرا فرمان دادی: «به سوی اشه روی آور و آن را فراشناس!»،
سخنی هرگز ناشنیده به من گفتی:
— «بکوش تا سروش در اندرون توراه یابد و پرتو دهش ایزدی را دریابی که به
هر دو گروه پاداش [و پادافره] می بخشد.»

۱۳

ای مزدا اهوره!
ترا پاک شناختم، آنگاه که «منش نیک» نزد من آمد تا آماج و آرزوی مرا
دریابد:
— «مرا زندگانی دیر پای ارزانی دار که هیچ کس جز تو نتواند بخشید؛ آن
زندگانی آرمانی که در شهریاری میثوی تو، نوید آن داده شده است.»

۱۴

ای مزدا!
آنچنان که فرزانه مرد توانایی، دوستی را به مهربانی پناه می بخشد، تونیز با
«شهریاری میثوی» خویش و در پرتو «اشه»، پیروان مرا پناه بخش تا من و همه آنان که
«مئثره»ی ترا می سرایند، بپاخیزیم و از آموزشها [ی تو] پشتیبانی کنیم.

۱۵

ای مزدا!
ترا پاک شناختم؛ آنگاه که «منش نیک» نزد من آمد و مرا آموخت که
اندیشیدن در آرامش، بهترین راه دانش اندوزی است [و هشدار داد که] رهبر هرگز نباید
مایه خشنودی دُر وندان شود، چه، آنان همواره با آشونان دشمنی می ورزند.

۱۶

ای مزدا اهوره!
پس زرتشت، «سپندترین مینو»ی ترا برای خویشتن برگزید.
[بشود که] «اشه» زندگی استومند ما را نیرو بخشد.

[بشود که] «آرمیتی» و «شهریاری میثوی» [تو] زندگی ما را درخشان کنند.
[بشود که] «منش نیک» کردارهای ما را پاداش دهد.

بسنه، هات ۴۴

۱

ای اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
چگونه [باید باشد] نیایش فروتنانه دلدادگان تو؟

ای مزدا!

[بگذار] کسی همچون تو، [آن را] به دوستی چون من بیاموزد.
پس در پرتو «اشه» ی گرامی، ما را یاری بخش تا «منش نیک» به سوی ما آید.

۲

ای اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
چگونه است سرآغاز «بهترین زندگی» و آن کس که براستی [در پی آن]
کوشاست، چه پاداشی [می یابد]؟

ای مزدا!

براستی او — [آن] پاک، [آن] مرده ریگ و برگزیده همگان — در پرتو
«اشه»، نگاهبانِ مینوی [مردمان] و دوست [و] درمان بخش زندگی است.

۳

ای اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:

چه کسی در آغاز آفریدگار و پدر «اشه» بوده است؟
کیست که راه [گردش] خورشید و ستارگان را برنهاده است؟
از کیست که ماه می‌فزاید و دیگر باره می‌کاهد؟

ای مزدا!

خواستارم که این همه و دیگر [چیزها] را بدانم.

۴

ای اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
کدامین کس زمین را در زیر نگاهداشت و سپهر را [برفراز] جای داد که

فرونیفتند؟

کیست که آب و گیاه را [بیافرید]؟

کیست که باد و ابر تیره را شتاب بخشید؟

ای مزدا!

کیست آفریدگار «منش نیک»؟

۵

ای اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:

کدامین استاد کاری، روشنایی و تاریکی را بیافرید؟

کدامین استاد کاری، خواب و بیداری را بیافرید؟

کیست [که] بامداد و نیمروز و شب را [بیافرید] تا فرزنانگان را پیمان

[ایزدی] فرایاد آورد؟

۶

ای اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:

آیا براستی همه آنچه من نوید می‌دهم، درست است؟

[آیا] «آزمیتی» با گُنشِ خویش، «اشه» را خواهد افزود و اینان^۱ را مزده
 [پدیدار شدن] «شهریاریِ میئوی» در پرتو «منش نیک» [خواهد داد]؟
 این جهانِ بارور و خرمی بخش را برای که آفریدی؟

۷

ای اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 چه کسی «شهریاریِ میئوی» و «آزمیتی» ارجمند را بیافرید؟
 چه کس به فرزاندگی، پسر را دوستدار پدر کرد؟

ای مزدا!

همانا می‌کوشم تا تو و «سپند مینو» را آفریدگار همه چیز بشناسم.

۸

ای مزدا اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 [من که] به آموزشهای تومی اندیشم و گفتار ترا در پرتو «منش نیک» می‌جویم
 تا بدرستی بیاموزم، چگونه به یاری «اشه» از هنجارِ زندگی آگاهی خواهم یافت و
 روانم به شادیِ روزافزون خواهد رسید؟

۹

ای مزدا اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 چگونه «دین» خود را به‌الایم و از سرِ شیفستگی، یکباره نیاز [تو] کنم تا با آنچه
 از تو خداوند نیک آگاه و در پرتو شهریاریِ تومی آموزم، با «شهریاریِ میئوی» ارجمند و
 «اشه» و «منش نیک» به سرایِ یگانه‌تو — که [به من] نوید داده شده است —
 راه یابم؟

۱. اشاره به نیکوکاران و درست‌کرداران است.

۱۰

ای اهوره!

این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 کدام است دین تو که جهانیان را بهترین [دین] است و همگام با «اشه»،
 جهان هستی را افزونی می‌بخشد و در پرتو «آرمیتی»، گفتار و کردار [ما] را به سوی
 راستی رهنمون خواهد شد؟
 ای مزدا!

من با دانش و گرایش خویش، به [دین] توری می‌آورم.

۱۱

ای اهوره!

این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 چگونه «آرمیتی» به [نهاد] دین آموختگان تورا خواهد یافت؟
 منم نخستین [کسی] که بدین کارا برگزیده شده‌ام. همه دیگران را^۲ دشمن
 می‌نوی^۳ می‌شناسم.

۱۲

ای اهوره!

این را از تو می‌پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 کدام یک از اینان که با ایشان سخن می‌گویم، آشون و کدام یک دُروند است؟
 به کدام یک [روی آورم]؟ [آن که] بدی دیده یا [آن که] خود بدکار است؟
 آن دُروندی که در برابر دهشهای تو [با من] می‌ستیزد، کیست؟ [آیا] نباید او
 را از بدکاران شمرد؟

۱. دین آموزی و پیامبری.

۲. دین ستیزان را.

۳. در گزارش پورداود «با خیرِ بدخواهی» و در ترجمه آذرگشسب «با دشمنی قلبی» آمده است؛ اما چنین
 می‌نماید که تعبیر گاهانی «مَنیاوشِ دُواشنگها» در متن، اشاره‌ای باشد به دشمنی بنیادی میان دو
 «مینو» در طرح اندیشگی گاهان. سنج. هات ۳۰، بندهای ۶-۳ و هات ۴۵، بند ۲.

۱۳

ای اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 چگونه «دروج» را از خود دور برانیم؟
 [چگونه] از آنان که سراپا نافرمانی اند؛ [آنان که] نه به پیوند با «اشه»
 می‌کوشند و نه همپرسگی با «منش نیک» را آرزو می‌کنند، دوری گزینیم؟

۱۴

ای مزدا اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 چگونه «دروج» را به دست «اشه» بسپارم تا با گفتار و آموزش ایزدی تو، پاک
 شود و از این راه، دروندان شکستی سترگ خورند و فریب و ستیزه‌آنان از میان برود؟

۱۵

ای مزدا اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 چون تو آن توانایی را داری که مرا در پرتو «اشه» از [گزند] اینان^۱ پناه بخشی،
 آن گاه که دو سپاه ناسازگار به هم رسند، برابر پیمانی که تو خود بر نهاده‌ای، به کدام
 یک از آن دو و در کجا پیروزی خواهی بخشید؟

۱۶

ای اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 کیست آن پیروزمندی که در پرتو آموزشهای تو، هستان^۲ را پناه می‌بخشد؟

۱. اشاره است به دروندان فریبکار و ستیهنده که در بند پیش، از آنها سخن گفته شد.
 ۲. در متن «ئی هیتی» آمده که برگردان واژه به واژه آن می‌شود: «اینان که هستند». ما «هستان» را به جای آن
 آوردیم که در شعر مولوی هم در برابر «نیستان» بکار رفته است:
 «اندک اندک زین جهان هست و نیست نیستان رفتند و هستان می‌رسند»
 (کلیات شمس، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، جزو دوم، ص ۱۵۷)

ای مزدا!
 مرا آشکارا از برگماشتن آن رَد در مان بخش زندگی بی‌گاهان و [بگذار]
 «سروش» و «منش نیک» بدو و به هر کس که تو خود او را خواستاری، روی آورند.

۱۷

ای مزدا اهوره!
 این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 چگونه [با رهنمود تو] کامه من بر خواهد آمد؟
 [چگونه] به تو خواهم پیوست و کی سخنانم کارگر خواهد شد، تا با «مَثَره»
 — که در پرتو «اشه» بهترین راهنماست — [مردمان را] به «رسایی» و «جاودانگی»
 رهنمونی کنم؟

۱۸

ای مزدا اهوره!
 این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 چگونه در پرتو «اشه»، آن پاداش را بدست آورم؟
 [چگونه] نیرویی، نیروهای دهگانه مرا راهبر و روشنگر خواهد شد تا با آنها
 «رسایی» و «جاودانگی» را دریابم و آنگاه هر دو را بدانان^۱ بخشم؟^۲

۱. مردم

۲. این بند یکی از دشوارترین و پر رمز و رازترین پاره‌های گاهان است. آنچه از آن در این گزارش به «نیروهای دهگانه» و «نیروی راهبر و روشنگر» تعبیر شده، در برگردان واژه به واژه متن، «ده مادیان با نریان و اشتری» درمی‌آید که در بسیاری از گزارشهای خاورشناسان باختری و در گزارش پورداود، با اندک تفاوتی به همین صورت آمده است. اما مفسرانی از قبیل «کانگا» و «تاراپور والا» برآنند که نام این جانوران در این بند، کنایی و رمزی است و ده مادیان، اشاره به ده حس سرکش و گمراه کننده در وجود آدمی و ده نریان یا اسب نر، کنایه از اندیشه انسان است که برآن حسهای دهگانه چیرگی می‌یابد و آنها را راهبری می‌کند و اشتر مرحله نهایی این سیر و سلوک و رسیدن به فروغ ایزدی و روشنایی ابدی است. (ناگفته نماند که در برداشتهای اخیر، واژه ushtra نه به معنی اشتر یا شتر بلکه از مصدر ush به معنی روشنایی بخشیدن و درخشیدن، گرفته شده است.)

نگارنده با قید احتیاط، تعبیر «نیروهای دهگانه» و «نیروی راهبر و روشنگر» را برگزیده است؛ اما

۱۹

ای اهوره!

این را از تومی پرسم؛ مرا بدرستی [پاسخ] گوی:
 هنگامی که نیازمندی راست گفتار، نزد کسی می‌رود و آن کس، مزد بایسته
 بدو نمی‌دهد، سزای کنونی او چیست؟
 من از آنچه در پایان بدو خواهد رسید، آگاهم؟

۲۰

ای مزدا!

این را نیز می‌پرسم:
 آیا دیوان هرگز خداوند گاران خوبی بوده‌اند؟
 [آنانند] که می‌بینند چگونه «گر پان»، «گوی»ها و «اوسینخش» جهان را
 برای ایشان، گرفتار خشم و آزار کرده و جهانیان را همواره به ناله و زاری درآورده و
 هیچ‌گاه در پرتو «اشه» برای پیشرفت و آبادانی جهان نکوشیده‌اند.

→ همچنان آن را نسبی و مبهم می‌داند.

یسنه، هات ۴۵

۱

اینک سخن می‌گویم؛ ای کسانی که از دور و نزدیک آمده و خواستار [آموزش] بید.

اکنون همه شما گوش فرادهید و سخنِ روشنِ مرا بشنوید و خوب به یاد بسپارید:

«مباد که آموزگار بد، دیگر باره زندگی [شما] را تباه کند [و] دُرُوند با زبان خود و با دُزباوری اش، شما را به گمراهی بکشاند.»

۲

اینک سخن می‌گویم از دو «مینو».

در آغاز آفرینش، «سپند [مینو]» آن دیگری — «مینوی [ناپاک]» — را چنین گفت:

— «نه منش، نه آموزش، نه خِرَد، نه باور، نه گفتار، نه کردار، نه «دین» و نه روان ما دو [«مینو»] با هم سازگارند.»^۱

۳

اینک سخن می‌گویم از آنچه «مزدا اهوره»ی دانا در [بارۀ] بنیادِ هستی به من گفت:

— [کسانی] از میان شما که «مَثَرَه» را — بدان سان که من بدان می‌اندیشم و

از آن سخن می‌گویم — بکار نیندند، [در] پایانِ زندگی، [بهره] شان دریغ و درد خواهد بود.»

۴

اینک سخن می‌گویم از آنچه در زندگی از همه چیز بهتر است.
از «اشه» دریافتم که «مزدا» آفریدگار او و پدر «منش نیک» کوشاست و «آرمیتی» دختر نیک گُنش هموست.
«اهوره»ی از همه چیز آگاه را نتوان فریفت.

۵

اینک سخن می‌گویم از آنچه [آن] «سپندترین»^۱ مرا گفت؛ سخنی که شنیدنش مردمان را بهترین [کار] است.
«آنان که آموزشهای مرا ارج بگزارند و پیروی کنند، به رسایی و جاودانگی خواهند رسید و با کردارهای «منش نیک»، به «مزدا اهوره» [خواهند پیوست].

۶

اینک سخن می‌گویم [از آن که] بزرگترین^۲ است.
در پرتو «اشه» می‌ستایم [او را] که نیک آگاه است [و] آنان را که [با او] هستند.^۳

[بشود که] «مزدا اهوره» با «سپند مینو»ی خویش [ستایش مرا] بشنود.
در پرتو «منش نیک» خواهم کوشید که مهرورزانه بدو برسم.
[بشود که او] با خرد خویش، مرا از آنچه بهترین [چیز] است، بی‌آگاهانند.

۷

اوست که همه رادان — همه آنان که بودند و خواهند بود — رستگاری خویش

۱. برگردان spantotamo ، صفت ویژه «مزدا اهوره» است که تنها همین یک بار در گاهان آمده؛ اما در یسنه، هات ۱ و ۳۷ و هرمزدیشت و وندیداد، بارها بدان برمی‌خوریم.
۲. برگردان mazishta ، صفت ویژه «مزدا اهوره» است.
۳. احتمالاً اشاره‌ای است به فروزه‌های «مزدا اهوره» که در اوستای نواز آنها با عنوان «امشاسپندان» یاد می‌شود.

را از وی خواستار می‌شوند.
 روان آشون به جاودانگی و کامروایی خواهد پیوست و روان دُرَوَند، براستی
 هماره در رنج خواهد بود.
 این [فرمان] را «مزدا اهوره» با «شهریاری میئوی» [خویش] بر نهاده است.

۸

با ستایشها و نیایشهای خویش بدوروی می‌آورم و با چشم دل او را می‌بینم.
 «مزدا اهوره» را در پرتو «اشه» و با اندیشه و گفتار و کردار نیک می‌شناسم و
 نیایشهای خود را در «گرزمان» او فرومی‌نهم.

۹

او را با «منش نیک» خشنود می‌کنم؛ او را که به خواست خویش، بهروزی و
 تیره‌روزی — هر دو — را برای ما آفریده است.
 [بشود که] «مزدا اهوره» با «شهریاری میئوی» خویش، ما را [نیروی] کار
 کردن بخشد تا در پرتو «منش نیک» و «اشه» و با نیک‌آگاهی به پیشرفت [کار]
 مردمان بکوشیم.

۱۰

او را با [یاری] «آزمیتی» می‌ستاییم و گرامی می‌داریم؛ او را که هماره «مزدا
 اهوره» خوانده می‌شود؛ [او را] که در پرتو «اشه» و «منش نیک» خود، ما را نوید داد
 که در «شهریاری میئوی» وی به «رسایی» و «جاودانگی» خواهیم پیوست و به ما
 تندرستی و توانایی خواهد بخشید.

۱۱

پس کسی که با دیوان و مردمان [پیرو] آنان دشمنی می‌ورزد، [راهش] از
 [راه] آن کس که «مزدا اهوره» را خوار می‌شمارد و زشت می‌انگارد، جداست.
 [چنین کسی] دربارهٔ او^۱ و رهانندگان دانا و یاوران دین پاک، نیک
 می‌اندیشد و [«مزدا»] او را دوست و برادر و بلکه پدر خواهد بود.

بسنه، هات ۴۶

۱

به کدام مرز و بوم روی آورم؟ به کجا روم [و از که] پناه جویم؟
مرا از خویشاوندان و یاورانم دور می‌دارند. همکاران و فرمانروایانِ دُرَوَندِ
سرزمین نیز، خشنودم نمی‌کنند.

ای مزدا اهوره!

چگونه ترا خشنود توانم کرد؟

۲

ای مزدا!

من می‌دانم که چرا ناتوانم. از آن روی که خواسته‌ام ناچیز است و کسانم
اندک شمارند.

ای اهوره!

از این [ناکامی] نزد تو گله می‌گزارم. تو خود، نیک [در کار من] بنگر.
من [از تو] خواهان آن یاری و رامشم که دلداری به دل‌داده‌ای می‌بخشد.
در پرتو «اشه» مرا از نیروی «منش نیک» بی‌گهان.

۳

ای مزدا!

کسی سپیده‌دم آن روز فرا خواهد رسید که با آموزشهای فزایش بخش خردمندان
رهانندگان، «اشه» به نگاهداری جهان بدرخشد؟

کیانند آنان که «منش نیک» به یاری شان خواهد آمد؟

ای اهوره!

من [تنها] آموزش ترا برمی‌گزینم.

۴

دُرَوَندِ بدنامِ بد کردارِ تباهاکار، یاوران «اشه» را از پیشبرد زندگانی [مردمان] در روستا یا سرزمین بازمی‌دارد.

ای مزدا!

آن کس که از دل و جان و با [همه] توانایی [خویش] با او می‌ستیزد، جهانیان را به راه نیک آگاهی رهنمون می‌شود.

۵

ای مزدا اهوره!

هرگاه آشَوَن نیک آگاهِ توانایی که خود بدرستی زندگی می‌کند، دُرَوَندی خواستار یاری را — خواه به فرمان ایزدی، خواه از سر خویشکاری دینی — به گرمی بپذیرد، می‌تواند با خردمندی خویش، او را بیاگاهاند و از گزند و تباهی برهاند.

۶

اما اگر آن مرد توانا او را نپذیرد، خود آشکارا به دُرَوَندان خواهد پیوست؛ زیرا از همان آغاز که «اهوره»، «دین» را آفرید، نیک خواه دُرَوَند، خود دُرَوَند است و آشَوَن کسی است که دوستِ آشَوَنان باشد.

۷

ای مزدا!

بدان هنگام که دُرَوَند آزرده مرا کمر می‌بندد، جز «آذر» و «منش [نیک]» تو — که «اشه» از کردارشان کارآمد می‌شود — چه کس مرا پناه خواهد بخشید؟

ای اهوره!

«دین» مرا از این آموزش بیاگاهان.

۸

ای مزدا!

از کردار آن کس که سر آزارِ جهانیان را دارد، مرا رنجی نخواهد رسید.
 [گزند] آن [کردارهای] دشمنانه، به خود او باز خواهد گشت؛ آنچه آن که او
 خود را از نیک زیستی بی بهره خواهد کرد و بدان دشمنانگی، هیچ راهی [به راهی] از
 دُزستی نـ [خواهد یافت].

۹

کیست آن رادی که نخستین بار مرا بیاموزد که چگونه تو سرورِ پاکِ اَشَوَن
 کردارها را بیش از همه شایسته ستایش بشناسیم!
 ما همواره خواستاریم که با «منش نیک» و در پرتو «اشه» آنچه را که تو
 آفریدگارِ جهان هستی درباره «اشه» گفته ای، [دریابیم].

۱۰

ای مزدا اهوره!

بدرستی می گویم: هر کس — چه مرد، چه زن — که آنچه را تو در زندگی
 بهترین [کار] شناخته ای بوزد، در پرتو «منش نیک» از پاداش «اشه [و] «شهریاری
 میثوی» [برخوردار خواهد شد].
 من چنین کسانی را به نیایش تو رهنمون خواهم شد و همه آنان را از «گذرگاه
 داوری» خواهم گذرانم.

۱۱

«کر پان» و «گوی»ها با توانایی خویش و با وادار کردن مردمان به کردارهای
 بد، زندگانی [آنان] را به تباهی می کشانند؛ [اما] روان و «دین»شان هنگام نزدیک
 شدن به «گذرگاه داوری» در هراس خواهد افتاد و آنان همواره باشندگان «گُنام
 دُروج» [خواهند بود].

۱۲

هنگامی که «اشه» به نوادگان و خویشانِ نامور «فریان» تورانی روی آورد،

جهان با تُخشاییِ «آزمیتی» پیشرفت خواهد کرد. پس آنگاه «منش نیک»، آنان را بهم خواهد پیوست و «مزدا اهوره» سرانجام بدیشان رامش و رستگاری خواهد بخشید.

۱۳

کیست در میان مردمان که «سپیتمان زرتشت» را در به سرانجام رساندن کارِ [خویش] خشنود کند؟
براستی چنین کسی برزنده بلندآوازی است.
«مزدا اهوره» او را زندگی [جاوید] می بخشد و «منش نیک»، هستیِ او را می افزاید و ما بدرستی او را دوستِ خوبِ «اشه» می شناسیم.

۱۴

ای زرتشت!
کیست دوستِ آشون تو؟
کیست آن که بدرستی خواستار بلندآوازیِ «مگه»ی بزرگ است؟
براستی چنین کسی «کی گشتاسپ» دلیر است.
ای مزدا اهوره!
من کسانی را که تو در سرای یگانه خویش جای خواهی داد، با گفتارِ «منش نیک» فرامی خوانم.

۱۵

ای هچتسپیان! ای سپتیمانان!
به شما خواهم گفت [همه آنچه را که شنیدنش برای شما بهترین است]^۱ تا دانا و نادان را از هم بازشناسید.
از این کردارهاست که شما «اشه» را — آنچه آن که در نخستین دادِ «اهوره» آمده است — به خویشتن ارزانی می دارید.

۱. در متن یک سطر شمر افتاده است. «تاراپوروالا» و به پیروی از او «آذرگشسب»، عبارت داخل [] را به جای سطر گم شده آورده اند که ما هم برای روشنی مطالب، به اقتباس از ایشان، آن را در این جا نقل کردیم.

۱۶

ای فر شوسترِ هُوگو!

با این رادان — که ما هر دو خواستار بهروزی آنانیم — بدان جا روی آور؛ بدان جا که «اشه» با «آرمیتی» پیوسته است؛ بدان جا که «منش نیک» و «شهریاری میثوی» فرمانروایند؛ بدان جا که سرای شکوهمند «مزدا اهوره» است.

۱۷

ای جاماشپ هُوگوئی فرزانه!

اینک سخنانی «پیوسته»^۱ به تومی آموزم، نه «ناپیوسته»^۱ تا تو آنها را به دل نیوشا و پرستار باشی.
«مزدا اهوره» در پرتو «اشه» نگاهبان نیرومند کسی شود که دانا را از نادان بازشناسد.

۱۸

آن کس که به [دین] من بپیوندد، من خود، او را بهترین [یاور]م و در پرتو «منش نیک»، بهترین چیزها را بدو نوید می‌دهد.

۱. پیوسته (= منظوم) گزارشی است از atshman اوستایی (که ظاهراً صورت دیگری است از afshman و در گزارش پهلوی هم به patman = پیمان برگردانده شده) و به پیروی از تعبیر فردوسی برای منظوم کردن و به نظم در آوردن:

«زگفتار دهقان یکی داستان بپیوندم از گفته باستان (شا. ج ۲، ص ۱۷۰) همچنین ناپیوسته (= منثور، نامنظم) برگردان an-afshman است.

در باره مفهوم این دو تعبیر، میان گزارشگران گاهان، اختلاف بسیار وجود دارد. پورداود آنها را به سنجیده و ناسنجیده برگردانده و آنچه را در گزارش پهلوی آمده، ناشی از اشتباه میان «افشمن» و «افسمن» شمرده است. آذرگشپ آنها را به «کار و فعالیت» و «بیکاری و تنبلی» ترجمه کرده است (که برداشتی است از گزارش تاراپور والا) و وحیدی «وافته» و «ناوافته» را (که همان منظوم و نامنظوم است) در برابر آنها آورده است.

پژوهندگان پارسی و اروپایی گاهان نیز نظرهای گوناگونی در این باره ابراز داشته‌اند؛ اما بیشتر آنها همان مفهوم «منظوم» و «نامنظوم» را ترجیح داده‌اند. ما نیز با قید احتیاط و با اعتقاد به نسبی بودن این برداشت، پیوسته و ناپیوسته را در این گزارش، آوردیم. (— یاگا. ص ۲۹۸—۲۹۷).

اما آن کس که با [آموزش] ما سرستیز دارد، ستیز با او رواست.

ای مزدا!

در پرتو «اشه» خواست ترا [برمی آورم و ترا] خشنود می کنم. چنین است

گرینش خرد و منش من.

۱۹

آن کس که در پرتو «اشه»، بهترین خواست «زرتشت» — ساختن جهانی نو —

را برآستی برآورد، پاداش زندگی جاودانه سزاوار اوست و در این جهانِ زیایِ بارآور نیز

هرآنچه را دلخواه اوست، بدست خواهد آورد.

ای مزدا! ای آگاه ترین!

این همه را تو بر من آشکار کرده ای.

بسنه، هات ۴۷

۱

«مزدا اهوره» با «شهریاری مینوی» و «آرمیتی» خویش، کسی را که با «بهترین منش» و گفتار و کردار به «سپند مینو» و «اشه» بیبوند، «رسایی» و «جاودانگی» خواهد بخشید.

۲

کسی که در پرتو «سپندترین مینو» بهترین [روش را دارد] و زبانش گویای «منش نیک» [او] است و دستهایش کردارهای «آرمیتی» را می‌ورزد، تنها یک اندیشه [دارد]:
«مزدا» پدر «اشه» است.

۳

ای مزدا!
تویی پدر «سپند مینو». تویی که این جهان خرمی بخش را برای او^۱ بیافریدی و بدان رامش بخشیدی و آنگاه که او^۱ با «منش نیک» همپرسگی کرد، «آرمیتی» را به راهبری و آبادانی آن^۲ برگماشتی.

۴

ای مزدا.

۱. آدمی

۲. زمین و جهان (اشاره است به این همانی «آرمیتی» با «زمین» در آموزه‌های اخلاقی و دینی زرتشت).

دُرَوَندان که از «سپند مینو» روی برتافتند، آزار بینند؛ اما اَشَوَنان چنین نشوند. اَشَوَن را هرچند هم کم نوا باشد، باید دوست شمرد و دُرَوَند را هر اندازه هم که توانگر باشد، باید بدخواه دانست.

۵

ای مزدا اهوره!

[تو] در پرتو «سپند مینو» همه آنچه را که براستی بهترین دهشهاست، به اَشَوَن نوید داده‌ای؛ اما دُرَوَند که با منش و کردار زشت خویش بصرمی برد، از مهر تو بهره مند نتواند شد.

۶

ای مزدا اهوره!

[تو] در پرتو «سپند مینو» و «آذَر» خود و با یآوری «آرمیتی» و «اشه»، پاداش [و پادافره] هر دو گروه را می‌بخشی. بدرستی بسی از جویندگان به [دین] تو خواهند گروید.

ای اهوره!

به هنگام پاداش و آن زمان که «اشه» بر «دروج» پیروز شود، آنچه از فریب دیوان و مردمان [دُرَوَند] که از آن آگاهی داده شده است، برای همیشه آشکار خواهد شد.

آنگاه در پرتو دهش تو، ستایش تو [و مهرورزی به تو] افزونی گیرد.

ای اهوره!

مرا از آنچه تو خود می‌دانی، بیاگاهان. براستی آیا تواند بود که پیش از آغاز کشمکش در اندیشه‌ام، آشون بر دُرَوَند پیروز شود؟

ای مزدا!

آشکار است که این [پیروزی] سرانجام نیک زندگی دانسته شده است.

پس [مردم] دانا را بهترین آموزش آن است که «اهوره» ی نیکی آفرین در پرتو «اشه» می‌آموزد.

ای مزدا!

وَرجاوندان [و] دانایان و آموزگارانِ راز-آیین تو، در پرتو خرد و «منش نیک»

از شیفتگان و دلدادگان تو خواهند شد.

۴

ای مزدا!

آن کس که نیک می اندیشد یا بد، بی گمان «دین» و گفتار و کردار خود را نیز [چنان خواهد کرد] و خواهش او پیرو گزینش آزادانه وی خواهد بود. سرانجام خرد تست که [نیک و بد را از یکدیگر] جدا خواهد کرد.

۵

[بشود که] فرمانروایان خوب و نیک کردار و دانشور [در پرتو] «آرمیتی» بر ما فرمان برانند.

مبادا که فرمانروایان بد [بر ما] فرمان برانند.

پاکی از هنگام زادن، مردمان را بهترین [کار در زندگی] است. باید برای [آبادانی] جهان کوشید و آن را بدرستی نگاهبانی کرد و به سوی روشنایی برد.

۶

براستی او^۱ پناهگاه نیک ماست و پایداری و توش و توان — [دو دهش] ارجمند «منش نیک» را — به ما ارزانی می دارد. «مزدا اهوره» در پرتو «اشه» از آغاز زندگی، گیاهان را بر آن برویانید.

۷

ای کسانی که دل به «منش نیک» بسته اید، خشم را فروافکنید و خود را در برابر تند خویی نیرومند کنید و برای گسترش «اشه»، به مردان پاک بپیوندید. ای اهوره!

پیروان آنان^۲ به سرای تو [راه خواهند یافت].

۱. «او» در این بند، اشاره دارد به «آرمیتی» در بند پیش که با «زمین» این همانی دارد.

۲. مردان پاک، پارسایان، دین آگاهان.

۸

ای مزدا!

کدام است دهش نیک تو که از «شهریاریِ مینوی» تو [خواهد رسید]؟
کدام است پاداش تو برای من و یارانم؟

ای اهوره!

چه اندازه آرزومندم که در پرتو «اشه» و «منش نیک»، برای پیشبرد کارها بر
رادان آشکار شوی!

۹

ای مزدا!

چگونه دریابم که تو در پرتو «اشه» بر همگان و بر آنان که سرِ آزارِ مرا دارند،
فرمان می‌رانی؟

مرا بدرستی از هنجارِ «منش نیک» بیا گاهان.
رهاننده باید بداند که پاداش وی چه سان خواهد بود.

۱۰

ای مزدا!

کی مردمان آموزش ترا در خواهند یافت؟
کی پلیدی این می^۱ را برخواهی انداخت که «گر پان» بدکار، [مردمان را]
بدان می‌فریبند و فرمانروایان بد با آن به [دژ] خرد [ی] بر سرزمینها فرمان می‌رانند؟

۱۱

ای مزدا!

کی «اشه» و آرمیتی «در پرتو» «شهریاریِ مینوی» [تو] خواهند آمد و خانمان
خوب و [سرزمین] کشتمند پدیدار خواهد شد؟

۱. منظور آشامیدنی «هوم» است. (— یس . ۳۲، بند ۱۴ و یاد. زیر قوم) برخی از گزارشگران گاهان، واژه
mada را که ما در برابر آن «می» آوردیم و صورت دیگر آن madhu چند بار در «یسنه» و نیز در فرگرد پنجم
و نذیداد به همین معنی آمده است، به «دیوانگی» برگردانده‌اند.

کیانند آنان که ما را در برابر دُرّوندان خونخوار، رامش خواهند بخشید؟
کیانند آنان که از بینشِ «منش نیک» برخوردار خواهند شد؟

۱۲

ای مزدا!

چنین خواهند بود رهانندگان سرزمینها که با «منش نیک» خویشکاری
می‌ورزند و کردارشان بر پایهٔ «اشه» و آموزشهای تست.
براستی آنان به درهم شکستن خشم برگماشته شده‌اند.

بسنه، هات ۴۹

۱

دیرگاهی است که «بندو» بزرگترین ستهنده با من است؛ [منی] که خواستار
[رهمنونی و] خشنودی گمراهان در پرتو «اشه» ام.
ای مزدا!
با پاداش نیک به سوی من آی و مرا پناه بخش تا در پرتو «منش نیک» او را
شکست دهم.

۲

دیرگاهی است که «بندو» — این آموزگار دروغین که سراز «اشه» پیچیده و از
«سپندارمذ» پیوند گسسته است و هرگز با «منش نیک» همپرسگی نمی‌کند — مرا
اندیشناک کرده است.

۳

ای مزدا!
تو بدرستی این باور و آموزش را برای همگان بر نهاده‌ای که «اشه» سود
می‌بخشد و «دروج» زیان می‌آورد.
پس من آرزومندم که به «منش نیک» بیوندم [و] همگان را از درآمیختن با
دُرّوندان بازدارم.

۴

آن دُرّخردانی که با زبان خویش، خشم و ستم را می‌افزایند و مردم کارآمد و

پرورشگر را از کار خویش بازمی‌دارند، زشت کردارند و خواهان نیکوکاری نیستند.
آنان به گُناهِ دیو — که از آئین «دین» «دُر وندان» است — در خواهند آمد.^۱

۵

ای مزدا!

کسی که با دل و جان، «دین» خویش را به «منش نیک» بپیوندد، به
«آرمیتی» [بستگی دارد] و در پرتو «اشه» به نیک آگاهی خواهد رسید.
ای اهوره!

چنین کسی با همهٔ اینها^۲ در پناه «شهریاری میئوی» توجای خواهد گرفت.

۶

ای مزدا اهوره! ای اشه!

هرآینه شما را به گفتن آنچه براستی در اندیشه و خرد شماست، برمی‌انگیزم تا
بدرستی دریابم که چگونه [پیام] دین‌تان را به گوش [مردمان] برسانم.

۷

ای مزدا! ای اهوره!

[بگذار مردمان] با «منش نیک» و در پرتو «اشه»، آن را^۳ بشنوند [و] تو خود
نیز گواه باش که کدام یک از یاوران و خویشاوندان به دادورزی زندگی خواهد کرد تا
همکاران مرا راهنمایی نیک باشد.

۸

ای مزدا اهوره!

۱. مفهوم این جمله در گزارشهای گوناگون، مورد اختلاف است و به چندین صورت مانند «آنان با آموزشهای خود، دیوان را یاری می‌کنند.» و «آنان با آموزش دروغ، دیوانی پدید می‌آورند.» و نظایر آنها برگردانده شده است.

۲. باید اشاره‌ای باشد به فروزه‌های آفریدگار از قبیل «منش نیک» و «اشه» و «آرمیتی» که در همین بند از آنها یاد شد.

۳. پیام و آموزش دین مزدا اهوره و اشه که در بند پیش، از آن سخت رفت.

این را از تو خواستارم که بزرگترین دهش رسایی و رامش و پیوستگی با «اشه» را به «فرشوشتر» ارزانی داری و همین [پاداش] را در پرتو «شهریاری» نیک خویش، به دیگر پیروانم [نیز] ببخشی.
[بشود که] ما هماره فرستادگان^۱ [تو] باشیم.

۹

ای جاماسپ فرزانه!
[بشود که] نگاهبان [دین] — [آن که] برای رهایی [مردمان] آفریده شده است — این آموزشها را بشنود:
راست گفتار هرگز به پیوند با دُرَوَند نخواهد اندیشید.
«دین» آنان [که راست گفتارند] از بهترین پاداشها بهره‌مند خواهد شد و سرانجام به «اشه» خواهد پیوست.

۱۰

ای مزدا! ای شهریاری بزرگ!
«منش نیک» و روانِ آشونان و نیایش «آرمیتی» و شور دل، همه را به سرای تو می‌آورم تا توبه نیروی پایدار [خویش، آنها را] جاودانه نگاهدار باشی.

۱۱

اینک روان شهریارانِ بد — آنان که دُرَوَند و بدمنش و بد «دین» و بد گفتار و بد کردارند — از روشنایی به تیرگی باز می‌گردد.
براستی آنان باشندگانِ «گَنام دُرُوج» اند.

۱۲

ای مزدا اهوره!
کدام است آن یاوری تو که در پرتو «اشه» و «منش نیک» به من که «زرتشت» ام و ترا به یاری همی خوانم، خواهی رساند؟
من براستی ترا می‌ستایم و آفرین می‌خوانم و بهترین دهش ترا خواهانم.

۱. فرستادگان برگردان fraēshta است که برخی از گزارشگران آن را به «دوستاران» ترجمه کرده‌اند.

پسینه، هات ۵۰

۱

ای مزدا اهوره!

هنگامی که براستی ترا به یاری می‌خوانم، جز «اشه» و «منش نیک» چه کسی روان مرا یاری خواهد کرد؟
کیست که پناه‌بخش و نگاهدار من و یاران و پیروانم خواهد بود؟

۲

ای مزدا!

آن کس که جهان را خرمی بخش آرزو می‌کند و آن را همواره آبادان می‌خواهد، چگونه در پرتو «اشه» و فروغ تابناک [تو] و در میان پارسایان زندگی خواهد کرد؟
بدرستی تو او را آشکارا در سرای فرزندان جای خواهی داد.

۳

ای مزدا!

پس بدرستی «اشه» به کسی روی خواهد آورد که «شهریاری میثوی» و «منش نیک»، رهنمون او باشد؛ کسی که به نیروی [این] دهشها، جهان پیرامون خویش را — که دُر و ندان فرا گرفته اند — آبادان کند.

۴

ای مزدا اهوره!

اینک ترا و «اشه» و «بهترین منش» و «شهریاری میثوی» رامی‌ستایم و نیایش

می‌گزارم.
من خواهانم که رهرو راه [راست] باشم [و] در «گَرزمان» به گفتار رادمردان
[تو] گوش فرادهم.

۵

ای مزدا اهوره! ای اشه!
شما که به پیامبران مهربانید، از فراسوی [بدو روی آورید و] او را با یآوری
هر چه نمایان‌تر [تان] پشتیبان باشید تا بتواند مردمان را در چشم برهم زدنی، به سوی
روشنایی رهنمون شود.

۶

ای مزدا!
براستی من — «زرتشت» پیامبرِ دوستدارِ «اشه» — [ترا] به بانگ بلند نماز
می‌گزارم:
[بشود که] آفریدگار در پرتو «منش نیک»، مرا از فرمانها [ی خویش]
بیاگاهاند تا زبانم همواره [مردمان را] به راهِ خرد [رهنمون گردد].

۷

ای مزدا!
اینک برای دستیابی به پیروزی، ترا با برانگیزنده‌ترین نیایشها می‌ستایم و به تو
می‌پیوندم.
[بشود که] در پرتو «اشه» و «منش نیک»، رهنمون و یاور من باشی.

۸

ای مزدا!
با سرودهای بلند آوازه برخاسته از شور دل و با دستهای برآورده به توری
می‌آورم و در پرتو «اشه»، همچون پارسایی ترا نماز می‌گزارم و به دستیاری هنر
«منش نیک» به تو [نزدیک می‌شوم].

۹

ای مزدا! ای اشه!

با این سرودها و با کردارهای «منش نیک»، ستایش کنان به سوی شما خواهم آمد.

تا بدان هنگام که بتوانم به خواست خویش برسرنوشت فرمان برانم، خواستار نیک آگاهی خواهم بود.

۱۰

ای مزدا اهوره!

آن کردارهایی که از این پیش [ورزیده ام] و آنها که از این پس در پرتو «منش نیک» خواهم ورزید، به چشم [تو] ارجمند است.

فروغ خورشید [و] سپیده بامدادی [نمود] «اشه» و برای نیایش تست.

۱۱

ای مزدا!

خود را ستاینده تو می دانم و تا بدان هنگام که در پرتو «اشه» توش و توان دارم، ستایشگر شما خواهم بود.

[بشود که] آفریدگار جهان در پرتو «منش نیک»، بهترین خواست درست کرداران — ساختن جهانی نو — را برآورد.

بسنه، هات ۵۱

۱

ای مزدا!

«شهریاری میثوی» نیک تو— شایان ترین بخشش آرمانی در پرتو «اشه» — از آن
کسی خواهد شد که با شور دل، بهترین کردارها را بجای آورد.
اکنون و از این پس، تنها به [برآمدن] این [آرزو] خواهم کوشید.

۲

ای مزدا اهوره!

این کردارها را نخست به تو و «اشه» و «آرمیتی» نیاز می‌کنم.
تو [نیز] توانگری و «شهریاری میثوی» خویش را به من بنمای و نیایشگر خود
را در پرتو «منش نیک»، رستگاری بخش.

۳

ای مزدا اهوره!

آنان که [همه] با هم در کردار به تو پیوسته اند، به سخن تو گوش فرامی‌دهند.
تو با گفتار «اشه» و آموزش «منش نیک»، آنان را نخستین آموزگاری.

۴

ای مزدا!

کجاست مهر بیکران تو به پرستشگرانت؟
کجا آموزش تو روان است؟

کجا از [یاری] «اشه» برخوردار توان شد؟
 کجاست «سپندارمذ»؟
 کجاست «بهترین منش»؟
 کجاست «شهریاری میثوی» تو؟

۵

همه اینها را [از تو] می پرسم:
 چگونه رهبر درست کردار و نیک خردی که [ترا] نماز می گزارد و دادورز و رَدِ
 راستی و توانا و بخشنده است، می تواند در پرتو «اشه» جهان را به پیش برد و آبادان کند؟

۶

«مзда اهوره» با «شهریاری میثوی» [خویش] آنچه را از به، بهتر است بدان
 کس بخشد که خواست وی را بر آورد و در پایان گردش گیتی، آنچه را از بد، بدتر است
 به کسی دهد که به آبادانی جهان نکوشیده باشد.

۷

ای مزدا! ای آن که زمین و آب و گیاه را آفریدی!
 مرا با «سپندترین مینو» [ی خویش] «رسایی» و «جاودانگی» بخش و در پرتو
 «منش نیک»، توش و توان [و] پایداری [ارزانی دارو] از آموزشهای خود بهره مند کن.

۸

ای مزدا!
 اینک بدرستی از سوی تو سخن می گویم؛ [بدان سان] که باید به مردم دانا
 گفت:
 تیره روزی از آن دُرُوند است و به روزی بهره کسی شود که پای بند «اشه»
 است.
 بی گمان کسی که این «مئثره» را به دانایان باز گوید، شادمان خواهد بود.

۹

ای مزدا!

توبا «آذر» فروزان و آهنِ گدازان، هردو گروه را [خواهی آزمود و] پاداش
[و پادافره] خواهی داد و نشانی [از این فرمان] در زندگی خواهی گذاشت که:
رنج و زیان دُرَوند را و شادمانی و سود، آشونِ راست.

۱۰

ای مزدا!
کسی که جز این [فرمان را پیروی کند]، زادهٔ جهانِ «دُرُوج» و دُرُآگاه است
و به تباهی جهان می‌کوشد.
من «اشه» را به سوی خود و پیروانم همی خوانم تا با پاداش نیک در رسد.

۱۱

ای مزدا!
کیست مردی که دوست «سپیتمان زرتشت» است؟
— کسی [است] که با «اشه» همپرسگی کند و به «سپندارمذ» روی آورد.
— کسی [است] که براستی و با پارسایی و «منش نیک»، به هواداری از
«مگه» بیندیشد.

۱۲

فریفتگانِ راهِ «گوی» در گذرگاه جهان، مرا — که «زرتشت سپیتمان» ام —
خشنود نمی‌کنند؛ زیرا آنان کامروایی خویش را در [کُنشهای] این [جهان استومند]
می‌جویند و نه در شور و جوشهای میثوی.

۱۳

بدین سان، دُرَوند که با گفتار و کردارش، از راه «اشه» روی برتافته و «دین»
راست راهان را دچار پریشانی کرده است، روانش در «گذرگاه داوری»، آشکارا او را
سرزنش خواهد کرد.

۱۴

«گر پان» پیرو فرمان و دادِ آباد کردن [جهان] نیستند. آنان با آموزشها و
کردارهای خویش، آباد کنندگان جهان را به تباهی می‌کشانند.

چنین آموزشهایی است که سرانجام، آنان را به «گنام دُروج» رهنمون خواهد شد.

۱۵

مزدی که «زرتشت» به «مگوان» نوید داده، [در آمدن به] «گرزمان» است؛ آنجا که از آغاز، سرای «مزدا اهوره» بوده است. این است [آن رستگاری] که در پرتو «منش نیک» و بخشش «اشه» به شما نوید می‌دهم.

۱۶

«کی گشتاسپ» با نیروی «مگه» و سرودهای «منش نیک» به دانشی دست یافت که «مزدا اهوره» ی پاک، در پرتو «اشه» بر نهاده است و [با آن] ما را به بهروزی رهنمون خواهد شد.

۱۷

«فَرشوشترِ هُوگو» گوهرِ والایِ هستی خود را برای «دین» نیک [خویش] با شیفتگی به من سپرده است.^۱
«مزدا اهوره» ی توانا، آرزوی او را برای دست‌یابی بر دارایی «اشه» برآورد!

۱۸

«جاماسپِ هُوگو» ی فرزانه که خواهانِ قرّه [مندی] است، در پرتو «اشه»، آن دانش^۲ را برگزید و با «منش نیک» به «شهریاریِ مینوی» دست یافت.
ای مزدا اهوره!

۱. در گزارشهای سنتی زرتشتیان گفته شده که این جمله، اشاره است به دختر «فرشوشتر» که «زرتشت» او را به همسری برگزید. «بارتولومه» و به پیروی از او «پورداد» همین تعبیر را پذیرفته‌اند؛ اما «نیبرگ» بر آن است که این توجیه از روایت بومی سرچشمه گرفته و بزرگترین آسیب را به متن می‌زند و یکسره بی‌پایه و بنیاد است. «نیبرگ» خود این جمله را چنین ترجمه کرده است:

«فرشوشتر هوگوبا کوشش بسیار به من نشان داد که شخص او به دَئِنایِ خوب پیشکش شده است.»

(— دینها. ص ۲۴۵).

۲. دانش و آموزش ایزدی که دهش «مزدا اهوره» است.

آن [دانش] را به من نیز — که به تودل بسته و پناهیده‌ام — ارزانی دار.

۱۹

این مرد — «مَدیوماه سپیشمان» — که با دین آگاهی در راه زندگی می‌نوی می‌کوشد و خود را به من سپرده است، با کردار خویش، جهانیان را از دادِ «مзда» خواهد آگاهانید و جهان را بهتر خواهد کرد.

۲۰

ای کسانی که همه هم‌کام^۱ [یکدیگر] ید! «اشه» و «منش نیک» را که از آموزش [آن]، «آرمیتی» فزونی خواهد گرفت، به ما ارزانی دارید. شما را در نماز می‌ستاییم و از «مзда» خواستاریم که به ما رامش بخشید.

۲۱

«آرمیتی» آدمی را پاکی می‌بخشد [و] او^۲ با دانش [و] گفتار [و] کردار [و] «دین» [خویش]، «اشه» را می‌افزاید. «مзда اهوره» [او را] در پرتو «منش نیک»، «شهریاری می‌نوی» خواهد بخشید. من [نیز] این پاداش نیک را خواستارم.

۲۲

«مзда اهوره» کسانی را که در پرتو «اشه» بهترین پرستشها را بجای می‌آورند، می‌شناسد. من نیز چنین کسانی را که بوده‌اند و هستند، به نام می‌ستایم و با درود [بدانان] نزدیک می‌شوم.

۱

بهترین خواست «زرتشت سپیتمان» برآورده شده است؛ چه، «مزدا اهوره» در پرتو «اشه» او را زندگی خوش دیر پای بخشیده است و آنان که با وی سرستیز داشتند نیز [اکنون] در گفتار و در کردار دین نیکش را آموخته اند.

۲

اینان راست که با اندیشه و گفتار و کردار، به خشنودی «مزدا» بکوشند و به آزادگامی و با کار نیک و ستایشگرانه، [او را] نیایش بگزارند.
«کی گشتاسپ» هوادار «زرتشت سپیتمان» و «فرشوشتر»، راه راست دینی را برگزیده اند که «اهوره» به رهاننده فروفرستاد.

۳

ای پُروچیستای هچتسپی سپیتمانی! ای جوان ترین دختر زرتشت!
«مزدا» آن کس را که به «منش نیک» و «اشه» سخت باور است^۱، به انبازی [زندگی] به تومی بخشد.
پس با خرد خویش همپرسگی کن و با [یاری] «سپندارمذ»، نیک آگاهی [خود را] بورز.

۱. در متن روشن نشده که اشاره این جمله به کیست؛ اما بیشتر پژوهندگان گاهان، آن را اشاره به جاماسپ می دانند. در بند هشن نیز جاماسپ همسر پروچیستا خوانده شده است. با این حال برخی از دانشوران و از آن جمله «دوهارله»، «تاراپور والا» و «میلز» درباره مفهوم این جمله، حدسهای دیگری زده اند و مسئله هنوز به طور نهایی حل نشده است.

۴

بی گمان من او را که برای همکاران و خویشاوندان به پدری و سروری گمارده شده است، بزخوادم گزید و بدو مهر خواهم ورزید. [باشد که] درزندگانی، فروغ «منش نیک» بر من بتابد و آشون زنی باشم در میان آشونان و «مزدا اهوره» همواره [آموزشهای] دین نیک را به من ارزانی دارد.^۱

۵

سخنانی می گویم دوشیزگان شوی گزین را و شما [دوتن] را [نیز] اندرز می دهم.^۲ [پندم را] با اندیشه [بشنوید] و بدرستی به یاد بسپارید و با «دین» خویش دریابید و بکار بندید:
بر هریک از شماست که در پرتو «منش نیک»، در [راه] «اشه» از دیگری پیشی گیرد. بی گمان این برای وی، پاداش نیکی است.

۶

ای مردان و زنان!

این را بدرستی دریابید که «دروج» در این جا^۳ فریبنده است.
«دروج» را از پیشرفت و گسترش بازدارید و پیوند خویشتن را از آن بگسلید.
شادی بدست آمده در کورسو [ی تباهکاری]، اندوه مایه ای است.
بدین سان، دُرَوندان تباه کننده راستی، زندگی میثوی خویش را نابود می کنند.

۷

تا بدان هنگام که دل و جان شما سرشار از شور و مهر است و با یکدیگر می جوشید — خواه در فراخی، خواه در تنگی — از پاداش «مگه» برخوردار خواهید بود.
اما اگر «مینو»ی دُرَوند بر شما دست یابد و آنگاه از «مگه» روی برتابید،

۱. در گزارش این بند نیز میان گزارندگان گاهان، اختلاف بسیار هست. برداشت و گزارش استاد پورداد با آنچه در این جا آمده، بکلی تفاوت دارد. وی این بند را از زبان جاماسپ فرض کرده است.
۲. بنابر آنچه در زیرنویس بند ۳ و در متن بندهای ۳ و ۴ گذشت، خطاب زرتشت در این بند بایست به همه دوشیزگان و جوانان و بویژه به پوروچیستا و جاماسپ باشد.
۳. در این زندگی، در این جهان.

سرانجام بانگِ وای و دروغِ برخواید آورد.

۸

اینچنین همه دُزکرداران فریب می‌خورند و با ریشخندِ همگان، خروش
برمی‌آورند و دچار گزند و شکست می‌شوند.
[اما] در پرتو [گنش] فرمانروای نیک، رامش به زنان و مردان در خانمانها و
روستاها بازمی‌گردد.
[بشود که] فریفتاری — این زنجیرِ براستی مرگبار — برافتد.
[بشود که] آن از همه بزرگتر، شتابان به سوی ما آید.

۹

دُزباوران که بنده کام [خویش] اند و از راستی روی برمی‌تابند، [از
پارسایان] بیزارند و ارجمندان را خوار می‌شمارند. [آنان] با خویشان نیز در
کشمکش اند.
کیست آن سرورِ آشون که به آزادگامی و ازدل و جان با ایشان بستیزد؟
ای مزدا!
توبا «شهریاریِ مینوی» خویش، درویشانی را که درست زندگی می‌کنند،
بهروزی خواهی بخشید.